

نماینده مجلس نسبت به خالی شدن شهرهای مرزی هشدار داد؛

مرثیه کوچ اجباری سیستانی‌ها



ریحانه جولایی

همچنان ادامه دارد و مرکز آمار ایران اعلام کرده است که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بیش از ۹ هزار نفر از مرز نشینان شمال استان سیستان و بلوچستان به استان‌های دیگر مهاجر کرده‌اند. همچنین از آغاز دوره طولانی خشک‌سالی (۱۳۷۹) تاکنون بیش از ۷۰ هزار بهره‌بردار بخش کشاورزی و ۳ هزار صیاد ساکنان در تالاب هامون بیکار شده‌اند.

مهاجرت گسترده نه تنها روستاها را خالی از سکنه کرده است، بلکه به گفته مردم قیمت مسکن در شهر زابل به عنوان قلب این منطقه هم در این چند سال تا ۵۰ درصد کاهش یافته است و افرادی هستند که منازل مسکونی و ملک‌های تجاری خود را مدت‌هاست برای فروش گذاشته‌اند و همچنان موفق به فروش آن‌ها نشده‌اند. اطلاعاتی که از ساکنان و مهاجران این استان پهنور به دست رسیده حاکی از این است که از اواخر دهه ۷۰ که خشک‌سالی آغاز شد بسیاری از مردم تن به مهاجرت دادند. به گفته آن‌ها یک مهاجرت گسترده هم در زمان خشک‌سالی دهه ۵۰ رخ داده بود. در آن سال بسیاری از مردم سیستان و بلوچستان به استان گلستان مهاجرت کردند و خیلی‌ها ایشان به‌سختی توانستند آنجا کار و زندگی فراهم کنند. در این دوره از خشک‌سالی هم خیلی از ساکنان سیستان و بلوچستان از سرزمینشان مهاجرت کردند و هنوز هم در حال رفتن هستند. آن‌ها که توان مالی داشتند در شهرهای دیگر زمین و خانه خریدند اما بسیاری از کشاورزان و دامداران با خشک شدن زمین‌ها و مرگ دام‌هایشان، برای کارگری به شهرهای اطراف رفتند. آن‌هایی هم که در روستاها مانده‌اند یا توان رفتن ندارند یا امید دارند خشک‌سالی تمام شود و آب و آبادانی به روستاهایشان برگردد.

مهاجرت همیشه آخرین راه نیست، اما می‌تواند آسان‌ترین راه پیش پای مردم سیستان و بلوچستان باشد. مردمی که خسته از سال‌ها نبرد با خشک‌سالی، به دنبال طبیعتی مهربان‌تر برای زندگی، حتی تا کیلومترها ن‌سوتر از زادگاهشان، داروندارشان را جمع می‌کنند و می‌برند. مهاجرت از سیستان در این سال‌ها چنان گسترده بوده که گاهی مسئولان غافل از ریشه‌هایش حتی با جلوگیری از خروج کامیون‌های باری مردم از مرزهای استان سعی کرده‌اند در مقابلش بایستند در حالی که این استان‌ها هیچ نتیجه‌ای نداشته است و حالا بسیاری از روستاهای مرزی کشورمان از سکنه خالی شده‌اند.

راهی جز مهاجرت نمانده

به گفته یکی از نمایندگان سیستان و بلوچستان، در ۲ دهه اخیر ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت منطقه سیستان مهاجرت کرده‌اند اما با گذری به تالاب هامون و سرزدن به روستاهای مخروبه و خالی از سکنه می‌توان دریافت که درصد مهاجران می‌تواند بیش از این زیاد شود.

نزدیک به ۱۸ سال است که کوچ اجباری مسیر زندگی خیلی از مردم این منطقه را تغییر داده است؛ کشاورزان، دامداران و صیادان بسیاری که بدون آب زندگی دیگر برایشان معنایی نداشت، اما همه مهاجران سرنوشته یکسانی نداشتند؛ ساکنان سرزمینی که روزگاری انبار غله ایران بود یا توان مالی این را داشتند که در جایی دیگر دوباره کشاورز و دامدار و صیاد شوند یا نداشتند و کارگران زمین‌های استان‌های مجاور روند مهاجرت‌ها در منطقه سیستان

یادداشت

مهدی قوامی پور، جامعه‌شناس

عواطف اخلاقی طبقه متوسط یا آنچه اصطلاحاً وجدان عمومی جامعه خوانده می‌شود از نمایش شیوه مصرف، تفریحات و سبک زندگی ثروتمندان آزرده است. این شیوه مصرف که خود را با خودنمایی اجتماعی و مصرف گسترده کالاها و خانه‌های گران قیمت، گذراندن اوقات فراغت به گران‌ترین اشکال ممکن و در نهایت با به رخ کشیدن سبک زندگی پر هزینه نشان می‌دهد، ضمن ایجاد حسادت بی‌پنهان در طبقه متوسط به سبب محرومیت از چنین جایگاهی، اعتراض‌های این طبقه را از به خطر افتادن ارزش‌های اخلاقی‌اش برمی‌انگیزد. نخبان فکری طبقه متوسط هم نتوان از حل تناقضات و تعارضات اجتماعی، تلاش می‌کنند تا با استفاده از برخی مفاهیم و تبیین‌ها و تفسیرهای شبه‌علمی، آزرده‌گی

تأثیر خشک‌سالی فراتر از زلزله است

هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کرمان در صدر ۲۱ استان ایران هستند که بارندگی منفی دارند. چند وقت پیش نماینده زابل عمق خشک‌سالی سیستان و بلوچستان را فراتر از یک زلزله خوانده و هلال احمر کمپین نذر آب در سیستان، به راه‌انداخته است.

طبق آخرین ارزیابی از وضعیت منابع آبی ایران، هرمزگان با منفی ۷۵ درصد، کم‌بارش‌ترین استان در سال آبی جاری است. پس از آن، سیستان و بلوچستان با ۷۵ درصد، کرمان با ۶۹ درصد، فارس با ۶۶ درصد و بوشهر با ۶۱ درصد، کم‌بارش‌ترین مناطق ایران معرفی شدند.

آمارها ناامیدکننده‌اند؛ میزان متوسط بارندگی ایران طی ۵۰ سال گذشته از ۲۵۰ میلی‌متر به ۲۰۵ میلی‌متر کاهش یافته، به‌موازات این، متوسط دمای هوا در ۱۵ سال گذشته ۱/۱ درجه بالاتر رفته است. در ۵۰ سال گذشته، میزان آب‌های تجدیدپذیر ایران از ۱۳۲ میلیارد مترمکعب به ۱۱۶ میلیارد مترمکعب کاهش یافته و در پنج سال گذشته، میزان آب تجدیدپذیر به زیر ۱۰۰ میلیارد مترمکعب رسیده؛ رقمی که زنگ خطر وضعیت نامساعد آبی است.

از ۶۰۹ دشت ایران، حدود ۳۸۱ دشت در مرحله ممنوعه و قرمز هستند و دیگر قابلیت برداشت آب ندارند. آذربایجان غربی با بیش از ۳۰ هزار حلقه، تهران با ۲۰ هزار حلقه و اصفهان با بیش از ۱۶ هزار حلقه، در صدر استان‌هایی قرار دارند که چاه غیرمجاز دارند.

در استان سیستان و بلوچستان وضع حادث‌تر است. در دشت سیستان گودال‌هایی طبیعی به عمق متوسط ۱۲ متر وجود دارند که با عملیات اندک

هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کرمان در صدر ۲۱ استان ایران هستند که بارندگی منفی دارند. نماینده زابل عمق خشک‌سالی سیستان و بلوچستان را فراتر از یک زلزله خوانده است

ساختمانی، به‌صورت مخازن آب‌های سیلابی درآمده‌اند. این گودال‌ها که «چاه‌نیمه» نام دارند، منبع آب آشامیدنی مردم منطقه به شمار می‌روند.

اتابک جعفری، مدیرعامل آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، می‌گوید از مجموع ۲۲۰ میلیون مترمکعب آب باقی‌مانده در چاه نیمه‌ها در شمال استان، ۲۵۰ میلیون مترمکعب آن آب مرده و غیرقابل استفاده است؛ «در سال آبی ۹۷، رودخانه هیرمند تنها ۲۲ میلیون مترمکعب آورد داشته که در مقایسه با پارسال ۹۳ درصد کمتر است.»

اگر قبلاً تأمین آب کشاورزی در سیستان و بلوچستان مشکل بود، اینک تأمین آب آشامیدنی مردم شهرستان‌های زابل، هیرمند، زهک،

هامون، نیمروز و زاهدان نیز دشوار شده است. عمده‌ترین دلیل این وضع، خشک شدن رودخانه هیرمند از ۱۸ سال قبل است. در سال ۱۳۵۱ پیمانی بین دولت‌های وقت ایران و افغانستان امضا شد که سهمیه‌ای معادل ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب از ذخیره گاه‌سد «کجکی» برای ایران در نظر می‌گرفت. اما کارشناسان می‌گویند که حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب از این آب به خاطر گرمای شدید تبخیر می‌شود. پس از قطع آب رودخانه هیرمند، تالاب هامون هم از سال ۷۸ دچار خشک‌سالی شد و بیکاری هم مزید بر علت شد تا با مهاجرت گسترده مردم به شهرهای دیگر مواجه شویم.

روستاها هر روز خالی‌تر می‌شوند
حالا عضو مجمع نمایندگان استان سیستان و بلوچستان با بیان اینکه درصد زیادی از مردم سیستان کوچ کرده‌اند و پیوسته در حال کوچ هستند، از خالی شدن ۱۰۰ درصدی برخی روستاها خبر می‌دهد.

حبیب‌الله دهمرده در این مورد هشدار داده بود که مرزهای شرقی ایران به سمت استان‌های قم و سمنان در حال انتقال است و دلیل آن مهاجرت‌های گسترده و قابل توجه مردم است. به گفته او اگر نتوانیم سیستان را نگاه داریم و مردم سیستان کوچ کنند عملاً دیگر جمعیتی در آن منطقه وجود نخواهد داشت و مرز ما با افغانستان و پاکستان به قم و سمنان و... می‌رسد. او همچنین به این نکته اشاره کرد که مرز خالی از سکنه هیچ معنایی ندارد و برای نگاه داشتن مردم در مناطق مرزی باید تلاش کنیم. او در ادامه بیان می‌کند: تخلیه جمعیت سیستان و بلوچستان آثار امنیتی دارد؛ «کجای دنیا با نیروی انتظامی یا نیروهای مسلح توانسته‌اند مرزهای خود را حفظ کنند؟ مرزهای یک کشور توسط مردم مناطق مرزی حفظ می‌شود. وقتی جمعیت تخلیه می‌شود و از لحاظ جغرافیایی به کویر می‌رسیم عملاً مرز به قم و سمنان می‌رسد و این یک فاجعه خواهد بود.»

به گزارش ایلنا، نماینده زابل و عضو فراکسیون مناطق کمتر توسعه یافته، از سبیل مهاجرت جوانان سیستانی به اطراف تهران و یزد هم خبر داد و گفت: در صدی از حاشیه‌نشینی تهران و



نماینده زابل و عضو فراکسیون مناطق کمتر توسعه یافته مجلس هشدار داده است که مرزهای شرقی ایران به سمت استان‌های قم و سمنان در حال انتقال است و دلیل آن مهاجرت‌های گسترده و قابل توجه مردم است

جاهای دیگر به مردم سیستان مربوط می‌شود؛ چرا که درآمدی ندارند. دهمرده، همچنین عنوان کرد که منطقه سیستان برای کشاورزی و دامپروری همواره به رود هیرمند وابسته بوده و تغییرات ناشی از ایجاد سد و بند روی هیرمند، باعث کوچ بسیاری از مردم شده است: «هیرمند در طول سال سه ماه آب دارد. دریاچه هامون هم خشک است. با این وضعیت کشاورزی برای مردم وجود ندارد. صنعتی هم برایشان پیش‌بینی نشده و آن مرزی هم که از طریق آن تردد و دادوستد می‌کردند بسته شده است.» او اضافه کرد که با این وضع، زندگی مردم تأمین نمی‌شود و منبع درآمدشان عضویت در کمیته امداد و دریافت یارانه است.

دهمرده که پیش‌تر از این استاندار سیستان و بلوچستان بوده، از ۱۰۰ درصدی در برخی روستاهای سیستان و استمرار مهاجرت در مناطق دیگر خبر داد و پرسید چرا در سیستان کارخانه یا زیرساخت‌های اقتصادی وجود ندارد: «ظرفیت بالایی در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد... باید منطقه را به راه‌آهن سراسری متصل کنیم. باید به فرودگاه‌های منطقه توجه کرد که وضعیت آن‌ها روز به روز بدتر می‌شود.»

دیگر دل‌خوشی نمانده

در آخر اینکه مشکل ساکنان سیستان و بلوچستان زیاد است و کسی از بین مسئولان انگار گوش شنوایی برای شنیدن دردهای آن‌ها ندارد. از خشک‌سالی تا طوفان‌های شن، از بیکاری تا نبود امنیت، از کمبود امکانات پزشکی تا دسترسی سخت به مدرسه و خدمات آموزشی همه این موارد آن‌ها را به سوی مهاجرت و ترک کردن سرزمینشان می‌کشاند و دل‌روغ مردم را به‌مرور می‌کشد. علاوه بر این، جای خالی فضاهای شهری مثل پارک، سینما، اماکن تفریحی و جاهایی که مردم کمی از وقت خود را در آن‌ها بگذرانند به‌شدت احساس می‌شود. با وجود این مسائل مردم نیز انگار دیگر به محیط پیرامون خود احساس تعلق ندارند. این منطقه با وجود قدمتی طولانی هر روز از لحاظ بصری و شرایط زیست با وضعیتی بدتر روبه‌رو می‌شود و سسکانش دیگر دل‌خوشی‌ای برای ماندن ندارند.

خواهد کرد و به خدمت آن در خواهد آمد. آنچه نباید نادیده گرفته شود، تناظر و پیوستگی شیوه معاش و نوع تفریحات این طبقه و نتایج سیاسی، اقتصادی آن است.

نحوه کسب معاش اشرافیت مالی دقیقاً شبیه لمپنیسم است؛ یعنی این گروه همچون لمپن‌ها در مناسبات تولیدی هیچ نقشی ندارند و از طریق چپاول ثروت دیگران و بهره‌مندی مالی و تولید فرهنگ لمپنی از سوی آنان بر فراز نه تنها ثروت بادآورده آنان از طریق ابزارهای قانون‌گذاری و سیستم بوروکراسی تأمین می‌شود، بلکه با به خدمت گرفتن دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغ دم‌غنیمت‌دانی و فرهنگ خوش‌باشی که از اجزا و عناصر فرهنگ لمپنی است، از حوزه عمومی، سیاست‌زایی کرده و موجب بازتولید سبک زندگی خود می‌شوند.

بنابراین، هرگونه نقد فرهنگ لمپنیسم حاکم بر گروهی از ثروتمندان، باید نقدی به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و ویژه خواری در کشور به‌عنوان بستر مناسب رشد اشرافیت مالی باشد و چنین نقدی زمانی مؤثر خواهد بود که در نقطه تلاقی امر سیاسی و حوزه عمومی قرار گرفته باشد.

از گوشه و کنار

تدوین لایحه‌ای جدید برای مقابله با «کودک همسری»



کارشناس ارشد دفتر بررسی‌های امور حقوقی معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده از تدوین

لایحه جدید برای مقابله با کودک همسری خبر داد. به گزارش ایسنا، زهره جعفری بیان کرد: در حال حاضر طبق ماده ۴۱۰ قانون مدنی از دواج دختر زیر ۱۳ سال تمام ششمسی و پسر زیر ۱۵ سال تمام ششمسی با اجازه داد‌گاه و آذن ولی و رعایت مصلحت مجاز است. بنابراین لایحه مذکور از دواج دختران زیر ۱۶ سال و پسران زیر ۱۸ سال ممنوع کرد و علاوه بر آن، اجازه می‌داد که دختران بین ۱۳ تا ۱۶ سال و پسران بین ۱۶ تا ۱۸ سال با حکم داد‌گاه خانواده از دواج کنند. اما این لایحه موفق به تصویب در کمیته فرعی کمیسیون لوائح دولت نشد. جعفری تصریح کرد: در همین راستا معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به منظور جلب نظر موافق اعضای کمیته و باهدف حمایت از تمامی کودکان در برابر از دواج‌های زود هنگام و اجباری، متن لایحه اولیه را اصلاح و حداقل سن از دواج اجباری دختران ۱۳ و پسران ۱۵ سال تعیین کرد؛ یعنی با تصویب نهایی این لایحه در مجلس، از دواج زیر ۱۳ سال برای دختران و زیر ۱۵ سال برای پسران ممنوع می‌شود. او یادآور شد: متن لایحه اصلاح‌شده در آذرماه سال جاری تقدیم دولت شد و در جلسه‌ای که در سوم دی‌ماه سال جاری در کمیته فرعی کمیسیون لوائح دولت برگزار شد با حمایت اعضای کمیته به تصویب رسید.

آتش سوزی جنگل‌های گیلان

اطفایش



فرمانده یگان حفاظت از محیط زیست گیلان گفت: در سطح استان از ۱۶ شهر آشپز درگیر آتش بود و تمام گستره آتش خاموش شد. به گزارش ایلنا، سرهنگ محمد قربانی در بیان آخرین اخبار آتش در جنگل‌های گیلان، گفت: خوشبختانه تمام آتش اطفاء شد، اما در گستره حریق کارشناسی دقیقی صورت‌گرفته و تمام نیروها درگیر خاموش کردن آتش بودند. آنچه برآورده می‌شود ۸۲ هکتار جنگل در حریق آسیب دیده است. سرهنگ قربانی افزود: آتش سوزی عمقی نبود، رطوبت تنه درختان سبب شد، آسیب به جنگل در حدی نباشد که نتواند خود را احیا کند. عامل این آتش سوزی هواناسانی و سهوی است. یعنی افرادی که به جنگل می‌روند و نکات حفاظت از محیط زیست را رعایت نمی‌کنند.

تلفات آنفلوآنزا به ۱۰۸ نفر رسید



معاون بهداشت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی گفت: با مرگ دو مبتلا به آنفلوآنزا در هفته گذشته، تعداد کل تلفات این بیماری از اول مهرماه تاکنون به ۱۰۸ نفر رسید. به گزارش ایلنا، علیرضا رئیس افزود: موج ابتلا به بیماری آنفلوآنزا در کشور فروکش کرده و هفته گذشته ۲۳۲ مورد بستری بیماران تنفسی را در کشور داشتیم. حسین عرفانیان، رئیس اداره مراقبت از بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت هفته گذشته گفته بود: همه موارد فوت ناشی از آنفلوآنزا افرادی بودند که بیماری زمینهای داشتند و اگر هم در بین آنان فردی بیماری زمینهای نداشت، علت مرگ تاخیر در مراجعه به پزشک، خودداری و استفاده از داروی کورتن بوده است. او ادامه داد: گرچه فوت ۱۰۶ نفر به علت آنفلوآنزا تأسف بر انگیز است اما اگر اقدامات کنترلی وزارت بهداشت نبود، تعداد موارد ابتلا و مرگ ناشی از این بیماری می‌توانست به مراتب بیشتر باشد و حداقل سه برابر آمار کنونی می‌شد.

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛

انتخاب مدیران محلات غیر قانونی است

اعضای شورای شهر تهران معتقدند؛ فراخوان انتخاب مدیران محلات از سوی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری غیر قانونی است، چرا که مصوبه شورای شهر ندارد. عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا می‌گوید: این اقدام غیر قانونی است، چرا که در کمیسیون فرهنگی و اجتماعی تصویب نشده است. حسن خلیل‌آبادی فراخوان انتخاب مدیران محلات را یک اقدام تبلیغاتی می‌داند و معتقد است: مدیران قبلی حضور دارند و بعلاوه با این کار امنیت شغلی عده‌ای به هم می‌خورد.